

۱- جمهوری اسلامی بنظر شما دارای خصوصیات است و چه هدفی را تعقیب میکند؟

ج- هدف بلند مدت یا افق تاریخی اسلام استقرار نظام اجتماعی توحیدی است که جامعه بشری را در مسیر تکامل تاریخی خود بجانب یگانگی کامل انسان با حاصل کارش، با طبیعت، با خودش و با کائنات هستی و مضمون و فحوای آن ها رهبری میکند بنابراین تمام موانع راه تکامل باید منتفی شوند. با اعتقاد به اصالت توحید کلمه یگانگی ها، تضادها و چندگانگیهای شرک آمیز نیز بجانب وحدت باید سیر کنند. باین ترتیب کلیه مرزبندیهای استثنائی و ناشی از بهره کشی فرو میریزد و بشریت بطور جهانی از هرگونه قید و بندی که مانع تحقق و بروز استعدادات عالیه اوست رها شمی مییابد. این یک رستگاری اجتماعی است که مطابق عقاید اصیل اسلامی (یعنی اسلام واقعی که همان تشیع انقلابی است) در هدین جهان به فرزندان وعده داده شده و لاجرم تخلف ناپذیر است. وعده ای که با اعتقاد من بعنوان یک مجاهد و یک موحد تحقق آن طبعاً " بطور وجود شناسانه نو با استفاده از تکنولوژیک بطور نهائی تنها در زیر چتر فلسفی توحید امکان پذیر است. چرا که در غیر این صورت هر نقیصه غیر رئالیستی در جهان بینی و در دیدگاه بصور مستقیم یا غیر مستقیم جهت گیری وحدت گرایانه ما را چه اجتماعاً و چه فردی به مخاطره میاندازد و یا ناممکن میسازد.

خلاصه بر حسب همین وعده است که دوران آنچه که در فرهنگ قرآن " قسط" نامیده میشود فرا میرسد. دورانی که در مقایسه با آن بحق میتوان تاریخ استثنائی و دلچسپاتی کنونی را، همان ما قبیل تاریخ انسان تلقی کرد. قسط که نقطه عطفی در مسیر یگانگی و یگانگی پرستی است مفهومی بسیار بالاتر و والاتر و فراگیرتر از عدل دارد. در حالیکه عدل میتواند یک مساوات ساده مکانیک را نیز تداعی کند، قسط در کادر یکتا پرستی، که وجود و جریان تکامل را هدفدار و با مقصد و مضمون تبیین میکند، قرار گرفتن هر چیز و هر حقی است در چاشنی که نهایتاً می بایست قرار میگیرد یعنی همان ناموس فطری وحدت گرا و هستی شناسانه ای که تمام اشیاء و انسانها و جوامع خواه و ناخواه آنها تسبیح میکنند و در مجموع بسمت آن روان و شناورند.

باین ترتیب ما در یک نظام مطلقاً " توحیدی حتی مالک خود و کار خود نیستیم. در چنان شرایطی حتی ادعای " به هر کس با اندازه کارش" نیز شعار عقب مانده و راست روانه ایست. زیرا مالکیت علی الاطلاق از آن خدا و در سمت خداست. زیرا هر امکان و استعداد و توانائی مادی و معنوی مطابق نقطه نظرهای توحیدی، ودیعه و امدادی است در جهت تکامل و تعالی اجتماعی انسان. بنابراین در دوران حاکمیت قسط که دوران تحقق جمیع استعدادات و قوای پنهان بشری است معیار توزیع نعم مادی نیازهای وحدت گرایانه تکاملی فردی و اجتماعی است. باین ترتیب نا همواریهای جامعه بشری هموار میگردد و تضادها به وحدت میل میکنند و مرزبندی های ستمگرانه طبقاتی، ملی و نژادی و امثالهم تماماً " فرو میریزند و دیگر از جنگ و تجاوز و ستمگری و کینه و حسد و ... خبری نخواهد بود. انسان هم بطور وجود شناسانه و فلسفی و هم بطور اجتماعی و نیز از لحاظ روان شناسی فردی غرق رحمت و وحدت میشود و به انسانی طراز مکتب و طراز توحید بالاصغ میگردد. این مختصری بود از سیمای نظام اجتماعی توحیدی مطابق آنچه که قرآن و تشیع انقلابی از فجر بلوغ انسان در دیات اجتماعی اش وعده داده اند. وعده ای که البته تدبیر صبنای نهایت رشد تکنولوژیک و خرمی و آبادانی زمین که ضمناً " مشخصاً بالاترین درجات رشد قوای مولده و تسخیر طبیعت و نیروهای طبیعی از جانب انسان است تحقق میپذیرد و وعده ای به مستضعفان یعنی نیروهای

از آنجاکه اسلام با واقعیات و ضروریات اجتماعی و فرهنگی برخوردی بسیار سازگار داشته و در این زمینه با واقعیت‌ها سازگاری کامل دارد. ما در این زمینه با واقعیت‌ها سازگاری کامل داریم. چراکه کیفیات متعالی در هر قلمرویی پس از گذر از مجموعه کمیات پست‌تر حاصل می‌شود. - در این نظر صرف نظر از هدفهای تاریخی و بلند مدت اسلامی و توحیدی بایستی یک برنامه با اصطلاح حداقلی را مورد توجه قرار بدهیم که البته راهگشای اهداف و نقطه نظرهای ایدئولوژیکی نهائی - خواهد بود. اما بعنوان یک برنامه حداقلی که منطبق با ضروریات و الزامات اجتماعی و اقتصادی این - مرحله از تکامل تاریخی جامعه ما باشد ما (مجاهدین) فکر می‌کنیم که هر نظام با اصطلاح فرماسیون یا صورت بندی سیاسی و اجتماعی - اقتصادی که بخواهد هویت اعتقادی واقعی اسلام را عرضه کند در مرحله و شرایط تاریخی که مادر آن حضور داریم با خصایص ضد امپریالیستی ، ضد ارتجاعی و ضد دیکتاتور - توری مشخص می‌شود و طبیعا حداقل حقوق دمکراتیک همه نیروهای مردمی را نیز رعایت می‌کند ، خصوصیات - صیاتی که افاده آنها در میدان عمل مسئولیت خطیر رهبری اسلامی در این مرحله است . البته این مسئولیت خطیر تاریخی به همین جا متوقف نشده و بعداً نیز با تشخیص الهم فالاهم و عمده و فرعی کردن مسائل و تضادهای همچنان تانفی کامل هرگونه ستم و بهره کشی ادامه پیدا می‌کنند . پس از نقطه نظر اسلامی ، ما رهروان انقلابی مستمر هستیم که یکی پس از دیگری ناقله توحید که همان تلاقی جاودانه با خدا باشد امتداد مییابد .

باین ترتیب ملاحظه می‌کنید که سقوط دیکتاتوری در ایران که البته میتواند موقت هم باشد فقط میتواند یک قدم و تنها یک قدم از راه انقلابی طولانی که مادر پیش داریم محسوب شود . در اینجا اجازه بدهید کلمات تاریخی آقای خمینی را در بدو ورود ایشان به میهن یادآوری کرده و عزم را سخاوتشان را در موضع ضد استعمار ایشان ستایش کنیم . ایشان تصریح کردند که تازه در آغاز راه هستیم و فقط یک قدم برداشته‌ایم و گفتند که اکنون باید به نحو سلطه خارجی و قطع نفوذ استعماری اجانب پرداخت . این یک رهنمود بسیار حیاتی و مهم است که بایستی آویزه گوش تمام خلق ما باشد . برآستی هم اگر مبارزه ضد دیکتاتوری مادارای مضمون و ماهیت ضد امپریالیستی نباشد نهایتاً چه فایده ای دارد ؟ و آیا در حالیکه هنوز وابسته هستیم و من غیر مستقیم استعمار می‌شویم - - - شکل گرایانه و فرمالیستی نخواهد بود اگر تنها به تغییر شکل سلطه خارجی دل خوش کرده و به همین شاعرت کنیم ؟

س - آیا این درک انقلابی شما از اسلام مورد قبول همه هستند ؟
ج - میدانیم که ما نیرو مجاهدین خلق و من فقط دو هفته است که به همت فدائو کاریهای خودتبار مردممان از اسارت درآمده‌ایم ، بنابراین دقیقاً میدانیم این درک مورد قبول چه کسانی هست و چه کسانی نیست . آنچه میتوانم بگویم اینست که این درک همه مجاهدین خلق ایران (صرف نظر از آنهایی که بدلائل ایدئولوژیکی تصفیه شده‌اند و دیگر مجاهد نیستند) میباشد .

ولی برای اینکه این سوال بیجواب نماند باشد بطور کلی میتوانم بگویم که انتظار یک درک تماماً واحد از مکتبی به عظمت و پیچیدگی اسلام انتظار بیش از حد است . اختلافات بگفته قرآن در درون جامعه واحد بشر اولیه با بقی و ستم و بهره کشی نیز پایان خواهند یافت . نقش انتیله و مصلحین نیز هدایت جامعه بسمت پایان اختلاف و تثبیت توسعه و وحدت است . باین ترتیب شیوه‌های مختلف زندگی و تربیت ، بدلائل خصلتی و معرفتی متعدد به شیوه‌های مختلف برخورد و ادراک منجر نمیشود اختلافات و تضادهای قومی ، نژادی و طبقاتی و امثالهم ایجاد میشوند که از قضا ضرورت تکامل نیز



سوره خجرات به " شعارف" یعنی آگاهی متقابل و شناختها پبشری در مجموع منجر میشود ه باین ترتیب در حالیکه وحدت اجتماعی اولیه انسان در دوران کودکی و صباوت نژادش وحدتی بوده نسا آگامانه و ما قبل بر ظهور و حل تضادها وحدت نهائی در اوج اعتلای آگاهی و خردمندی و سلطه بر طبیعت ، حول محور تقوی آزادببخش و یگانه ساز پیش میرود ه همان تاتوا که معیار رارجحیت تکاملی افراد و جوامع بر یکدیگر است

بنابراین ما با توجه به تضاد اصلی مرحله کنونی رشد جامعه مان یعنی تشخیص درست بت و مانع اصلی راه تکامل و راه خدا باید بیشتر بت وحدتهای شناخته شده مان بر علیه این موانع بیندیم پیشیم یعنی علیرغم هر اختلافی در عقاید و برداشتها و استنباطاتمان باید بر جنبه ضداستعما ری و ضد امپریالیستی انقلابمان که بشک صورت تاکید همه نیروهای مردمی است تاکید کنیم ه این مهمترین و واجبترین قدمی است که اکنون میتوان در راه پایان دادن به اختلافات پرداخته بعدا" برای پرداختن باه سایر اشکالات و مسائل وقت زیادی خواهیم داشت ه و در عین حال که عرکس میتواند فقط با آنهائی که نظیر او میانندیشند پیوند ارگانیک و وحدت سازمانی داشته باشد اما اگر شما جویای حقیقت اید و ولوژی و مکتب اسلام هستید و در مورد ترفیخواهی و انقلابی بودن ذاتی این مکتب تردید دارید ه من مرکز شما را در لابلای برداشتهای مختلف از اسلام معطل نخواهم گذاشت ه زیرا مطابق نقطه نظرهای توحیدی رئالیستی ما مسلمانان نسبی گرائی (رالیستویسم) و افکار حقایق یقینی قابل شناخت در خارج از ذهن را که به ایدالایسم و پندگرائی منجر میشود البته که محکوم است ه بنابراین شما (حتی فرضا " بعنوان محققى که خودش ممکن است مسلمان نباشد) کمالا" حق دارید صرفنظر از برداشتهای نسبی این فرد با آن فرد با این گروه با آن گروه جویای حقیقت اصیل اسلام شوید و در بلی یک جریان شناسائی علمی و منطقی نیز به درستی به آن واقف شوید اما برای ساده کردن کار و پرهیز از بحثهای پیچید و گسترده تئوریک میتوان مستقبعا" بسراغ عملکرد نمایندگان و سمبلهای اصیل اسلام یعنی خود پیامبر و علی علیه السلام و سایر ائمه رفت و اسلام را مستقیما" در آنها آزمود مثلا" علی علیه السلام را در نظر بگیریم که به محض زمامداری در نخستین بیانییه خود بر پایگاههای اجتماعی ارتجاع اموی که اساسا" همان اشرافیت زمیندار وقت هستند بر میشورد و سوگندمی خورد (خطبه ۱۵ نهج البلاغه) که املاک مربوطه را ولور که در کابین زنا نشان باشد باز خواهد ستاند و بضع دهقانان محروم صادره خواند کرد (همین کاری که امروز هم یک رهبری اسلامی در رابطه با پایگاههای داخلی امپریالیسم یعنی اعوان و انصار دیکتاتوری و سرمایه داری و وابسته انجام خواهد اد) چرا که ار دید علی علیه السلام در همین خطبه بر حسب آموزشهای اسلامی گشایش و توسعه نابرابر و غیر عادلانه اقتصادی از طریق بسیج توده ای و روی کردن به طبقات محروم است ، بنابراین باید تاکید کرد که از آنها که حقیقت هر چیز مربوط به تعایل فردی یا گروهی بخصوصی نبوده و حتی به رای گیری دمکراتیک نیز منوط نیست ه بله میتوان حقیقت اسلام را در سیمای نمایندگان و رهبران راستینش ملاحظه نموده بنابراین ما هرگز نباید مغلوب تبلیغات امپریالیستی مغرضانه ای که سعی دارد چهره اسلام را ارتجاعی جلوه دهد بشویم ، این مطالب در مورد یک گروه یا سازمان نیز از جهات مختلف مصداق دارده مثلا" در مورد خود ما (مجاهدین) می دانید که چون مجاهدین از پرستییز اجتماعی و مصیوبیت سردمی برخوردار بوده اند افراد و دستجات مختلفی چه جاهل و چه مغرض فرصت طلبیا ارتجاعی سعی کرده اند با انتشار مطالبی بنام مجاهدین به سوء استفاده شخصی یا گروهی بپردازند

۲- از صفحه قبل جا افتاده است و استعمار آغاز شده و توحید اجتماعی اولیه را به چند گانگی و چند پارچگی تبدیل کرده است و لذا با پایان هر نوع ستم و بهره کشی نیز پایان خواهند یافت

وچهره سازمان، ایدئولوژی و شهدای آنرا خدشه دار کند. اقدامات استخباراتی که چه بخاطر آثار تفرقه
انگانه آنها در میان نیروهای مردمی و چه بدلیل نقش بنیادین عقیده‌ی مجاهدین یا تجدیدنظر در آنها
(یعنی چه از موضع چپ‌نمائی و چه از موضع راست) چه بسا در ژسورت ادامه آنها مجبور به افشای تک‌تک
شان نگردیم مگر آنکه به راه خود بروند و بیش از این از نام مجاهد سوء استفاده نکنند. در این
صورت ما برای مبارزات ترقیخواهانه تمام آنها احترام قائل بوده و خواهیم توانست چنانکه باید
با ایشان رفتار کنیم .

س- این نوع حکومت (اسلامی) در رابطه با مسائل اقتصادی، کارگران ، زنان ، ابزار تولید و بانک
- ها چگونه عمل خواهد کرد؟

بچنانکه قبلا هم اشاره کردم و تا آنجا که من میفهم فعلا ما درگیر یک انقلاب ضد امپریالیستی هستیم
که با شرکت تمام طبقات و اقشار مردم و نیروهای وابسته به آنهاست. پس طبیعتا مساله ملی-پرستانه
طبقاتی حالا تقدم دارد.

اما همین انقلاب اگر تا پایان درست هدایت شود و وسعت بالنده داشته و آینه تاریخی مستضعفین را مد
نظر داشته باشد. در جریان تکامل خود شکافها و تضادهای میان طبقات مختلف را بسیار تخفیف میدهد و چه
بسا در مراحل بعدی نیز، اختلافات دیگر بطور غیر متعارض امکان حل یابد .

توضیح میدهم که منظور از مستضعفین چنانکه در قرآن در سوره قصص تشریح شده آن نیروهای اجتماعی
تحت ستم و ضعیف داشته شده‌ای هستند که نهایتا در انقلاب نقش رهبری کنید. (بلحاظ اجتماعی)

داشته د و زمین را به ارت خواهند برد. از این نظر آنها با دو ویژگی مشخص میشوند ۱- تحت ستم بودن
و استعمار شدن ۲- بالندگی بنا بر این ترکیب کارگر و دهقان و بطور اعم تمام زحمتکشان. در مقطع کنونی
تاریخ رمز بنیادین اجتماعی تداوم و استمرار ضد استثماری انقلاب ماست. انقلابی که از نظر اقتصادی
باید با آهنگ مناسبی تدریجا راه دراز میان اصالت سود و سودپرستی و انگیزه‌های منفعت طلبانه
شرک آمیز را تا یگانگی و یگانگی پرستی کامل اجتماعی با گامهای استوار طی کند. به چندگانگی های
اجتماعی ناشی از سودپرستی پایان دهد و انگیزه‌های متعالی معنوی و ایدئولوژیک را تدریجا حاشین
انگیزه‌های مادی نماید.

مادر این مورد به گفته قرآن از ابراهیم پیامبر علیه السلام الهام میگیریم که میگفت :
همانا که بجانب آفریننده آسمانها و زمین روی میگردانم (یعنی مطلق توحید و یگانگی) من حنیف
هستم و از مشرکین و چندگانه پرستان ^{همانها} همانا که بجانب آفریننده آسمانها و زمین روی میگردانم (یعنی
مطلق توحید و یگانگی) ، من حنیف هستم و از مشرکین و چندگانه پرستان نمیباشم .

بنا بر این ما به یک دگرگونی رادیکال و ریشه‌ای در کل مناسبات اجتماعی معتقدیم که طبعاً جایی برای
بانکهای استعماری و غارتگری در آن نخواهد بود.

اما در مورد زنان باید کمی بیشتر توضیح بدهم . بخصوص که یکی از بارزترین وجوه جنبش مردمی
اخیرا شرکت گسترده و فعال خواهران مجاهد و مبارز مادران است. چیزی که واقعا هم جای تیریک
و تهنیت دارد. حال اینکه معمولا دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی تلاش دارند چهره انقلاب ما
را با انگ ارتجاعی آلوده کرده و مثلا چنین وانمود کنند که گویا اسلام با آزادی زنان مخالف
است. حال اینکه در اسلام ارجحیت مردوزن بر یکدیگر نیز جز با پرهیزکاری و تقوای هر مانی بخش ،
یگانه ساز سنجیده نمیشود (همان آیه ۱۳ سوره حجرات را یادآوری میکنم) . در این جا خوبست
به مقایسه ای بین حقوق فعلی فرانسه و حقوق اسلام دست بزنیم . در حالی که در اسلام زن از آغاز دارای

از استقلال اقتصادی، برخوردار نیست و مثلاً به مجرد ادواج خود بخود مقداری از مالکیت و دارایی‌اش به شوهر منتقل میشود. خلاصه می‌خواهم بگویم که حقوق و استقلال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زن در اسلام بطور کامل تامین شده است. تفاوت‌های جابجانه میان مرد و زن در حقیقت چیزی جز نفوذ ارتباطی است. استثماری در ارتباط میان این دو نیست. رابطه‌ای که در مسیر تکامل توحیدی جامعه و استقرار جامعه عاری از ستم و طبقات طبعا خود بخود تضعیف شده و به رابطه بارور عاری از اجبار و ستمگری تبدیل خواهد شد. یک توطئه ارتجاعی دیگر بر علیه حیثیت انقلاب اسلام واقعی اینست که می‌خواهند وانمود کنند که گویا اسلام در مواجهه با مسائل اجتماعی یک سری اقدامات غیر ریشه‌ای را مثل آتش زدن محلات روستایی نشین، چاره ساز میدانند و به آنگونه اقدامات سطحی متوسل میشود. حال اینکه روستایی‌گری و مواردی از این قبیل جزئی از کل روابط و مناسبات بهره‌کشانه است که طبعا در مسیر یک اقدام ریشه‌ای بر علیه کل مناسبات اجتماعی حاکم، ریشه کن میشود، در همین رابطه نمونه‌ای از صدر اسلام بسیار قابل توجه است. وقتی مصر آزاد میشود جناح دگماتیست و کوتاه بین به آتش زدن روستایی‌خانه‌ها اقدام میکند. ولی علی علیه السلام قویا این اقدام را تفتیح و از آن ممانعت میکند. زیرا چنین برخوردهای احمقانه در شان اسلام نیست و مسأله‌ای را هم بطور اساسی حل نمیکند.

همین جا اجازه بدهید از اقدام آقای طالقانی در محکوم کردن آتش زدن مطه شهرنو تهران در هفته گذشته که اگر به تحریک‌آیادی دشمن نباشد حتما کار عناصر غیر مسئول و ناآگاه است، تجلیل کنیم. ایشان بدین وسیله گذاشتند چهره جدیدی با اقدامات قشری خدشه دار شود.

اصول ایندژولوژی شما در حال حاضر چیست و چگونه عمل خواهد شد؟

ج - هویت مجاهدین خلق ایران که بصورت مختصر در بیانیه اعلام مواضع مادر قبائل جریان انحرافی - چپ‌نما که در فاصله پائیز ۵۲ تا پائیز ۵۵ مدون شده است عفته گذشته در مطبوعات تهران منعکس شد. مادر همان خطوط بنیانگذاران سازمان در سال ۴۴ هستیم.

س - نظرسر شما در مورد مارکسیستی‌ها و احزاب چپ چیست؟

ج - ما ولا باید بگویم که ما اسلام را در موضع راست نمی‌گذریم و هیچ نقدر است گرایانه و ارتجاعی هم از مکاتب و آیدئولوژی‌ها بعمل نمی‌آوریم. منظورم اینست که انتقادات و تضادهای ما با سایر مکاتب از یک موضع سنتی راست نیست. وانگهی ما بدستور قرآن که در تمام مناسبات و روابط فردی و اجتماعی به عدل و قسط حکم میکند، به تمام مبارزات ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی و ضد استثماری احترام گذاشته و - حقوق دمکراتیک هیچ گروهی را ضایع نمی‌کنیم. این طرز برخورد عالیترین نوعی است که میتوان از اسلام بعمل آورد.

س - آینده ایران را چگونه می‌بینید؟

ج - بدیهی است که چشم انداز کلی افق تمام انقلابات مردمی اکیدا تابناک و درخشان است و تمام فتنه‌گریهای امپریالیستی و ارتجاعی و ضد خلقی نقش بر آب خواهد شد. به بقول قرآن به چنان تجهیزاتی و فنونی دسترسی داشته باشند که "کوه‌ها را نیز بتوانند از پا در آورده و زایل نمایند..." اما در چند سال انداز موجود و بطور مرحله‌ای: از آنجاکه تمام شرایط و مبانی عینی پیشرفتهای انقلابی آماده است پس آینده نزدیک و نسبه شکل گرفتن آن بوسیله عناصر آگاه و مسئولیت‌رهبری مشخص میشود. اینجاست که روابط نیروهای مختلف با یکدیگر و اقوی اتحاد حساس و تعیین کننده و کلیدی پیدا میکنند و در همین جاست که نبایستی به فتنه‌گریهای دشمن کم بهاداد، آنها نهایت تلاش خود را برای بجانهم انداختن نیروها از هم و منحرف کردن مبارزه به کانال‌های فرعی بعمل خواهند آورد.

خلاصه امپریالیستها هرکاری که ممکن باشد خواهند کرد و با هر لباسی برای پیش بردن عطا مع ضد انقلابی درخواهند آمد. در رابطه نیروها و گروههای مختلف باید دیگر ضابطه صحیح و انقلابی اینست که از همکاری که مستقیم یا غیرمستقیم آب به آسیاب دشمن ریخته و مسیر اصلی مبارزه را منحرف کنند، بپرهیزیم اینهم مستلزم اینست که آزادی عقیده و ابراز نظر و سایر موازین حق طلبانه دمکراتیک در مورد همه رعایت شود.

س- در مورد تصفیه ارتش چه نظری دارید؟

ج- مردم مابه یک ارتش مردمی نیاز مندند. یعنی روابط ارتش با مردم و روابط درونی ارتش (بین افسار بالو پائین) بایستی خصیصه مردمی پیدا کند. و اینهم مستلزم یک دگرگونی بنیادی در وضع موجود است تا دیگر سینه مردم بیگناه نباشد و بیپناه آماج گلوله ها قرار نگیرد.

س- با ورود آیت الله خمینی وضع را با ایستادگی بختیار چطور ارزیابی میکنید؟

ج- فکر می‌کردم بختیار بختیار را از آنست که در چنین شرایطی ما موریت ایستادگی در برابر اراده سپهکین

خلق ایران را که درس سختی و سازش ناپذیری آقای خمینی مجسم است بهمه بده بگیرد هنوز بیانات تاریخی آقا که تا امروز چند ساعت پیش در سالن فرودگاه و بهر آباد ایراد شد در گوشم طنین دارد. آن کلمات فریادرسای مظلومیت و حقاقت تمام مردم ایران بود. بیایید دعا کنیم و از خدا بخواهیم که به آقا سلامت و طول عمر عطا کند. مسئولیت اطرافیشان ایشان را هم در حفظ سلامتشان باید خیلی جدی گرفت.